

**دراسة عوامل تغيير نبر الكلمات في مسرحية (المرآيا المتقابلة) لبهرام
بيضاوي في ضوء نظرية علم الأصوات الطبقي**

ميثاق ساير كامل

د. عقيل عبد الحسين محمد

جامعة بغداد كلية اللغات قسم اللغة الفارسية

**بررسی عوامل تغییر تکیه‌ی کلمات در نمایشنامه‌ی (آینه‌های رو به رو) ی بهرام
بیضاوی بر اساس نظریه‌ی واج‌شناسی لایه‌ای**

**Changes of Stress Positions of Derived Words in
Bahram Beyzai's play " Opposite Mirrors ": A
feature theory - Autosegmental-metrical phonology**

Mithaq Sayer Kamel

**Prof.Dr.Aqeel Abdel-Hussein Mohammed
University of Baghdad, College of Languages,
Department of Persian Language**

mithaq.saiyr2209@colang.uobaghdad.edu.iq

[aqeel.a@colang.uobaghdad.edu.iq_1](mailto:aqeel.a@colang.uobaghdad.edu.iq)

النبر ظاهرة صوتية تجعل إبراز أحد مقاطع الكلمة متميزاً في السمع مما عداه من المقاطع الأخرى. لهذه الظاهرة الصوتية في كل لغة نمط خاص يتوافق مع نظام تلك اللغة وقواعدها، ففي اللغة الفارسية يرتبط النبر إلى حد كبير بالقواعد النحوية، وتعد عملية تصريف الكلمات وما يضاف لها من اللواحق الاشتقاقية والتصريفية، من العوامل الرئيسة التي تؤدي إلى تغيير موضع النبر. إن إتقان استعمال قواعد هذه الظاهرة الصوتية يعد ضرورياً في ضبط التلفظ وتحسين مهارة القراءة لدى متعلمي اللغة. ولأهمية هذه المسألة يسعى البحث إضافة إلى تعريف ظاهرة النبر، إلى دراسة العوامل التي تؤدي إلى تغيير موضع نبر الكلمات في مسرحية (المرآيا المتقابلة) لبهرام بيضاي بهدف الاطلاع على جانب من نظام النبر في اللغة الفارسية. لقد خلصت الدراسة إلى أن اغلب اللواحق الاشتقاقية والتصريفية هي من ذوات النبر التي تؤدي دوراً كبيراً في تغيير موضعه على مستوى الكلمة، اما اللواحق التصريفية القواعدية فهي خلاف لتلك؛ تكون فاقدة للنبر وليس لها أي تأثير. لقد أصبح من الممكن الإفادة من نتائج الدراسة بوصفها قاعدة لتحديد موضع نبر الكلمات المصرفة ومعياراً للتمييز بين اللواحق المنبورة وغير المنبورة في اللغة الفارسية. الكلمات المفتاحية: نبر الكلمات، اللواحق الاشتقاقية، اللواحق التصريفية، اللواحق التصريفية القواعدية.

Abstract

Stressed syllables are highlighted and more prominent than unstressed syllables. Stress patterns are language-specific. In Persian, stress patterns are syntactically determined. Stress positions are changed according to the morphological structure of the words. Persian learners should know how affixes (suffixes and prefixes) determine where stress falls in order to master pronunciation and improve their reading skills. This study identified stress and changes in stress position in Iranian playwright Bahram Beyzai's 'Opposite Mirrors'. Stress patterns and positions in this play are the study data. They exemplified stress patterns in the Persian language. The current study found out that most derivational and morphological affixes are stressed and play a major role in stress positions whereas clitic affixes are not stressed and have nothing to do with stress positions. The study findings are expected to be a beneficial source for identifying stress positions as well as stressed and unstressed affixes in Persian.

Key terms: word stress, derivational affixes, morphological affixes, clitic affixes

چکیده

تکيه پديده آوايي است که در شنيداري برجستگي يکي از هجاهاى واژه را نسبت به ديگر هجاها متمايز مى نمايد. اين پديده آوايي در هر زبان داراي طرح ويژه‌اى است که با نظم وقواعد آن زبان مطابقت مى کند. در زبان فارسى طرح تکيه تا حد زيادى به شرايط دستورى مربوط مى شود. فرايند تصريف و افزودن وندهاى اشتقاقى و تصريفى به کلمات، عوامل اصلى تغيير جاىگاه تکيه هستند. تسلط بر نحوه کاربرد اين پديده آوايي در ضبط تلفظ و ارتقاى مهارت خواندن زبان آموزان ضرورى است. با توجه به اين مساله، در اين مقاله ضمن مرورى به معرفى شدن ماهيت تکيه، به بررسى عوامل تغيير جاىگاه آن در کلمات نمايشنامه‌اى (آينه‌هاى رو به رو) بهرام بيضاى مى پردازيم تا حد امکان گوشه‌اى از قواعد تکيه در زبان فارسى را به دست دهيم. يافته‌هاى اين پژوهش حاکی از آن است که بيشتر وندهاى اشتقاقى و تصريفى تکيه‌بر هستند و در تغيير جاىگاه تکيه ايفاي نقش مى کنند، اما (واژه‌بست‌ها) بر خلاف آنها، فاقد تکيه هستند و هيچ تأثيرى بر تکيه کلمات ندارند. از نتايج مطالعه مى توان به عنوان يک قاعده برائى تشخيص الگوى تکيه صورت‌هاى تصريفى کلمات و ملاکى برائى تمايز نهادن ميان تکيه‌بر و بى تکيه بودن وندها در زبان فارسى استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها: تکيه‌ی واژگانی، وندهاى اشتقاقى، وندهاى تصريفى، واژه‌بست‌ها.

مقدمه و بیان مساله

زبان^۱ یک سیستم ارتباطی است که گوینده با استفاده از نشانه‌ها مقاصد و اندیشه‌های خود را در قالب آن به شنونده انتقال می‌کند. نشانه‌های زبان چه به صورت گفتاری باشند چه به صورت نوشتاری، آواهایی هستند که معنا و مفهوم را منعکس می‌نمایند و از راه تلفیق و همنشینی آنها در کنار یکدیگر، واژه‌ها و پاره‌گفتارهای گوناگون به وجود می‌آیند این آواها علاوه بر نقش مؤثری که در شکل‌گیری واحدهای زبانی دارند، اطلاعات غیر زبانی مانند جنس، سن، سطح اجتماعی و حالت روانی گویندگان را نیز منتقل می‌کنند (ر.ک محمد، ۲۰۱۸: ۵۴۴). افراد در قالب گفتار که نمود شنیداری زبان است با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند. آواهایی که در بافت

آوایی گفتار نقشی ایفا می‌نمایند به دو دسته: «آواهای زنجیری^۲» و «آواهای زیرزنجیری^۳» تقسیم می‌شوند؛ آواهای زنجیری «آواهای هستند که به دنبال هم قرار می‌گیرند و سازه و کلمه تشکیل می‌دهند» (سلمان، ۲۰۱۵: ۲۲). آواهای زیرزنجیری «آواهای هستند که به دنبال هم نمی‌آیند، بلکه در خارج و بالای آواهای زنجیری قرار می‌گیرند و در ساختمان کلمه و گروه و جمله‌واره و جمله نقشی بازی می‌کنند» (همانجا). مطالعه‌ی آواها و شناخت ویژگی‌های آنها، مرحله‌ی اول برای آموختن هر زبانی به شمار می‌رود. از این رو، در یادگیری زبان دوم، هنر خوب تلفظ کردن بسیار حائز اهمیت است و بدون تردید توجه بسیاری را به خود جلب می‌کند. کسی که می‌خواهد فن فراگویی زبان دوم به خوبی یاد بگیرد ابتدا باید فراگویی آواها را دقیقاً آنگونه که اهل زبان آنها را به کار می‌گیرند، بیاموزد. این امر نه تنها مستلزم یادگیری آواهای زنجیری است بلکه شامل آواهای زیرزنجیری و تسلط بر چگونگی کاربرد آنها در گفتار نیز می‌شود چراکه بدون شناخت آن، زبان‌آموز هرگز قادر به آموزش تلفظ کامل نخواهد بود. قواعد ضبط تلفظ در هر زبان دارای مبانی و ملاک‌های خاصی است که توسط زبان‌شناسان تدوین و طبقه‌بندی شده است. شناخت این ملاک‌ها فرآیندی ضروری برای بهبود توانایی فراگویی صحیح زبان‌آموز است چون بی‌نظمی کردن آن، بی‌شک به معانی مختلف منجر می‌شود. تکیه^۴ یکی از عناصر زیرزنجیری که در ضبط تلفظ تأثیر دارد. برای بیان این مسأله مثالی می‌آوریم، کلمه «زبان» از دو هجا تشکیل می‌شود: za.bān. طبق قاعده تکیه کلمه در زبان فارسی، تکیه روی هجای دوم قرار می‌گیرد، اما اگر این کلمه با تکیه روی هجای اول تلفظ کنیم فوراً تفاوت لحن آشکار می‌شود و هر فارسی زبان متوجه می‌شود که این کلمه بر خلاف طبیعت زبان فارسی تلفظ شده است. به عبارت دیگر، اشتباه در تلفظ یک کلمه باعث می‌شود که آنچه را که می‌خواهیم بگوییم با زبان دیگر قابل بیان نباشد. ما نیز از تکیه استفاده می‌کنیم تا مثلاً بین دو کلمه گویا (= آنگار) در نقش قید /'guyā/ و گویا (= روشن) در نقش صفة /gu'yā/ که از نظر زنجیره‌ی واجی یکسان هستند تمایز بگذاریم در کلمه اول تکیه روی هجای اول قرار می‌دهیم و در کلمه دوم روی هجای دوم و به این ترتیب آنها را از یکدیگر متمایز می‌کنیم با توجه به آنچه گذشت روشن می‌شود که تلفظ هر یک از کلمات بالا معنای خاصی می‌دهد بنابراین تکیه نقش مهمی در تمایز معانی دارد. شناخت هجای تکیه‌بر برای اهل زبان، بخشی از توانش زبانی آنها به شمار می‌آید چون تکیه یک مفهوم انتزاعی دارد (ر.ک. اسلامی، ۱۳۸۸: ۹). اما این مسأله برای زبان‌آموزان فارسی متفاوت است. از این رو، نیاز به آشنایی با قواعد تکیه در آن زبان دارند. معمولاً در واژه‌هایی که دارای یک هجا هستند تکیه بر همان آن واقع می‌شود اما در واژه‌های چند هجایی تعیین جای تکیه برای زبان آموزان فارسی کمی دشوار می‌باشد، با اینکه ملاک‌هایی وجود دارند که می‌توانند بر حسب آنها، جایگاه تکیه را تشخیص دهند. این مسأله در ادامه بیشتر توضیح داده خواهد شد. با توجه به آنچه گفت پیدا است که شناسایی دلایل تغییر جایگاه تکیه در سطح واژه، در میزان آگاهی و تسلط بر چگونگی کاربرد این پدیده آوایی، تأثیر شگرفی دارد. مهمترین هدف این تحقیق شناخت عواملی است که محل تکیه را تغییر می‌دهد و به عنوان یک قاعده از آن برای تشخیص جایگاه تکیه کلمات استفاده می‌شود. بر این اساس، نگارندگان کوشیده‌اند تا در این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی در چارچوب نظریه «واج‌شناسی لایه‌ای^۵» و با بهره‌گیری از برنامه پرات^۶، پاره‌ای از کلمات در نمایشنامه «آینه‌های رو به رو» را مورد تحلیل و بررسی قرار داده تا از این رهگذر گوشه‌ای از قاعده تکیه زبان فارسی را در اختیار زبان‌آموزان قرار دهند.

خلاصه نمایشنامه (آینه‌های رو به رو)

وقایع نمایشنامه‌ی (آینه‌های رو به رو) به مقطع زمانی میان سال‌های ۱۳۳۵—۱۳۵۷ مربوط می‌شود. بهرام بیضایی این داستان را در سال ۱۳۵۹ نوشته است. زمینه اصلی این متن سیاسی، دربارهی جنایات رژیم گذشته ساواک است و اعدام و سوء استفاده از خانواده زندانیان سیاسی و ستم و دردهایی بر آنان وارد می‌شود را عنوان می‌کند. داستان خواهری است بنام نزهت که بار اصلی داستان را به دوش می‌کشد، این زن جوان برای نجات برادرش (سروان حق نظر) که یک زندان سیاسی است، دست از سر هیچ کاری بر نمی‌دارد حتی راضی می‌شود به بهای ویرانی آینده‌اش، خود را نیز به معامله بگذارد. اما علیرغم از خودگذشتگی، برادرش اعدام شد. نزهت که

2 _ Segmental Phonemes
3 _ Supra segmental sounds
4 _ Accent
5 _ Autosegmental-metrical
6 - Praat

برادرش و پس از او پدرش که نمی‌توانسته آنچه اتفاق افتاده را تحمل کند _ از دست داد، از شدت بیزاری از خود و برای انتقام گرفتن از خویش و جامعه‌ای که چنین ستم و قساوتی در حق او و خانواده‌اش مرتکب شده، مجبور شد به کارهای نابجا روی می‌آورد. نویسنده می‌خواهد با نشان دادن گرایش زن به رفتاری منفی، ناامیدی مفرط زن را در مقابل جامعه و مردم نشان دهد. زندگینامه بهرام بیضایی بهرام بیضایی نمایشنامه‌نویس، فیلمنامه‌نویس، پژوهشگر و کارگردان تئاتر و سینمای ایران در پنجم دی ماه سال (۱۳۷۱ ه. ش) در تهران متولد شد. بیضایی آثار خود را در سه گونه فیلمنامه، نمایشنامه و برخوانی ارائه کرده است. درون‌مایه‌های آثار خود تنوع چشمگیری دارد. او بیشتر به ارائه موضوعات ملی، تاریخی و اجتماعی توجه داده و آثار زیادی در این زمینه‌ها آفریده است و برای طرح مسائل مورد نظر، از شگردهای هنری متفاوت مانند «به کارگیری اسطوره‌ها» و «اقتباس از متون کهن» استفاده می‌کند. بیضایی بی‌تردید، شاخص‌ترین چهره در هنر نمایشی ایران است و آثار او بسیار فراتر از سیاهه کارهای برجسته‌ای است که آفریده است که هر یک از آنها به تنهایی می‌توان کارنامه پرباری باشد. پیشینه تحقیق تحقیقات زیادی در مورد تکیه در زبان فارسی به انجام آمده است. در زیر به برخی از آنها که با مقاله حاضر مرتبط بوده‌اند اشاره می‌شود زعفرانلو کامبوزی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «جایگاه تکیه در تکواژهای وابسته زبان فارسی» با استناد به نظریه بهینگی به بررسی تفاوت میان انواع تکواژهای وابسته از لحاظ تکیه، پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که «تفاوت مشهود در جایگاه تکیه تکواژهای وابسته زبان فارسی ناشی از بازنگاشت ساختار نوایی آنهاست». به بیان دیگر «قرارگرفتن تکواژ مقید در سطح واجی یا گروه واجی بر تکیه‌پذیری آن تأثیر مستقیم دارد». غلامعلی‌زاده و پیرایی (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «بررسی لایه‌ها و سطوح واژگانی در وندهای زبان فارسی از نگاه صرف واژگانی» سطوح و لایه‌های واژگانی در وندهای زبان فارسی را از لحاظ صرف واژگانی بررسی کرده و وندها را با توجه به رفتارشان نسبت به پایه‌ای که به آنها اضافه می‌شوند، به دو دسته «خنثی» و «غیرخنثی» تقسیم نموده‌اند. داده‌های این مقاله حاکی از آن است که «بیشتر وندهای زبان فارسی غیر خنثی و تکیه‌بر هستند». راسخ مهند (۱۳۸۳) در مقاله خود با عنوان «معرفی نظریه بهینگی و بررسی تکیه در فارسی» تکیه واژگانی در فارسی را در چارچوب نظریه بهینگی مطالعه کرده‌است. به نظر وی، طبق قاعده «راست‌هستگی» تکیه در صورت‌های غیر فعلی، اگر کلمه بسیط باشد تکیه بر هسته کلمه قرار می‌گیرد، در این نوع، ریشه نقش هسته را ایفا می‌نماید. اما اگر کلمه پسوند دارد، تکیه بر آن وند که هسته کلمه را تشکیل می‌دهد، قرار دارد. از آثار یاد شده آن‌گونه پیداست که بین وندها و جایگاه تکیه رابطه‌ای وجود دارد، لذا این مقاله به دنبال این است که مشخص کند کدام یک از وندها می‌توانند بر تکیه اصلی کلمه تأثیر گذارند؟ و در نتیجه تکیه را به خود جذب کنند. چارچوب نظری و روش تحقیق تحقیق حاضر در چارچوب نظریه «واج‌شناسی لایه‌ای» صورت گرفته است. این نظریه از جمله نظریه‌هایی است که در بررسی «واج‌شناسی آهنگ» مطرح است. در نظریه واج‌شناسی لایه‌ای «تکیه» یک مشخصه انتزاعی و واژگانی مربوط به تک هجاست. اسلامی معتقد است در واج‌شناسی لایه‌ای بین دو نوع برجستگی تمایز ایجاد می‌شود. نوع اول به برجستگی در سطح واژگان و نوع دوم به برجستگی در سطح پارمگتار بستگی می‌شود. به نظر وی، نوع اول «تکیه واژگانی^۷» نام دارد، به این معنا است که همه واحدهای واژگانی صرف نظر از تعداد هجاهای آنها در واژگان دارای طرح تکیه یا همان الگوی برجستگی خاص خود هستند. به بیان دیگر یکی از هجاهای واژه نسبت به دیگر هجاهای همان واژه از برجستگی زیادتر برخوردار است. به عقیده اسلامی، از آنجا که تکیه واژگانی در سطح واژگان مشخص می‌شود، بنابراین یک مفهوم انتزاعی دارد (ر. ک. ۱۳۸۸: ۸). نوع دوم برجستگی، «تکیه زیر و بمی^۸» است که در سطح پارمگتار مشاهده می‌شود. «تکیه زیر و بمی» الزماً بر هجای «تکیه‌بر» واژه قرار دارد. یعنی «هجاهای تکیه‌بر»، بالقوه، می‌توانند در سطح پارمگتار حامل تکیه زیر و بمی باشند. «تکیه زیر و بمی» بر خلاف «تکیه واژگانی» عینی، متغیر و غیر قابل پیش‌بینی و مربوط به کنش زبانی است (ر. ک. همانجا). اسلامی در ادامه می‌گوید: با اعتقاد به واژگانی بودن تکیه، می‌پذیریم که تکیه یکی از اطلاعات آوایی بستگی به واژه‌ها در واژگان ذهنی اهل زبان است. واژه‌ها به عنوان واحدهای واژگان، دارای مشخصه‌های آوایی، صرفی، نحوی و معنایی منحصر به فردی هستند و اهل زبان مجبور هستند این مشخصه‌ها را به حافظه بسپارند. از این رو، اطلاع از جایگاه تکیه در واحدهای واژگان از جمله توانش زبانی گویشوران به شمار می‌آید (ر. ک. ۱۳۸۸: ۹). در واج‌شناسی لایه‌ای، حد اقل از دو سطح

⁷ _ word accent

⁸ _ pitch accent

بالا (H) و پایین (L) برای زبانی مانند فارسی استفاده می‌شود. عناصر آهنگ در قالب نواخت‌ها (H) و (L) تجلی می‌یابد و با توجه به نقش خود با عناوین «تکیه‌ی زیر و بمی» یا «نواخت‌های کناری»^۹ مشخص می‌گردند. تکیه‌های زیر و بمی با تغییر سطح، جهت و شکل منحنی زیر و بمی در هجاهای تکیه‌بر واژگانی، نقش انواع برجسته‌سازی را برعهده دارند اما نواخت‌های کناری بر خلاف تکیه‌های زیر و بمی نقش برجسته‌سازی در گفتار ندارند، بلکه نقش مرزما را در گروه آهنگی ایفا می‌نمایند. تکیه‌های زیر و بمی یا در قالب نواخت مانند (H*) یا (L*) یا در قالب دو نواخت مانند (L+H*) یا (L*+H) پدیدار می‌آیند. ولی نواخت‌های کناری تنها در قالب یک نواخت ظاهر می‌شوند؛ مانند (H-) و (L-) برای «نواخت یا تکیه گروه»^{۱۰} و (H%) و (L%) برای «نواخت مرزما»^{۱۱}. (ر.ک. اسلامی، ۱۳۸۴: ۱۶-۱۷). در تحقیق حاضر، کار ما از دو مرحله تشکیل شده است: مرحله اول شامل ضبط خوانش کلمات مورد نظر توسط یک گویشور زن فارسی‌زبان در محیطی کاملاً آرام است. مرحله دوم کلمات ضبط شده به بوسیله نرم‌افزار پرات نسخه (6.2.13) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

تکیه

تکیه یکی از عناصر نوایی که در مطالعات آوایی زبان‌های گوناگون مورد توجه قرار گرفته است. همه زبان‌های دنیا دارای جنبه‌های تولیدی مشترکی هستند اما این جنبه‌ها با قواعد و نظم هر زبان مطابقت دارد. به طور کلی زبان‌ها بر اساس نحوه استفاده از عناصر زیرزنجیری مانند تکیه و زیر و بمی به سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند: «زبان‌های تکیه‌ای»، «زبان‌های نواختی» و «زبان‌های نواختی تکیه‌ای». زبان فارسی از زبان‌های تکیه‌ای به حساب می‌آید که در این نوع زبان‌ها تکیه در سطح کلمه مختصه یک هجا است بدین ترتیب که هر کلمه صرف نظر از تعداد هجاهای آن فقط یک تکیه می‌گیرد. این پدیده آوایی عبارت است «از برجسته کردن آوایی قسمتی از کلام، به عنوان بخش مهم‌تر، نسبت به قسمت‌های دیگر همان کلام، یا در تقابل با کلام دیگر» (نجفی ۱۳۸۴: ۸۶). البته «وقتی که کلمه یا عبارتی را تلفظ می‌کنیم، همه هجاهایی که در آن هست به یک درجه از وضوح و برجستگی ادا نمی‌شود بلکه یک یا چند هجا برجسته‌تر است. همین برجستگی خاص یکی از اجزای کلمه در یک سلسله اصوات ملفوظ موجب می‌شود که حدود و فواصل هجاها را تشخیص دهیم و هر یک از کلمات را جداگانه ادراک کنیم. این صفت خاص بعضی از هجاها را که موجب انفکاک اجزای کلام از یکدیگر است، در فارسی (تکیه کلمه) یا به اختصار (تکیه) می‌خوانیم» (خانلری، ۱۳۷۴: ۶۲). در توضیح مفهوم تکیه و ماهیت آن آمده است: «تکیه از نظر تولید، از ترکیب مختصه‌های تغییر در فشار هوا، اختلاف در درجه زیر و بمی و تفاوت در کشش واکه‌ای حاصل می‌شود و از نظر شنیداری، به رسایی بیش‌تر تعبیر می‌شود» (حقوق‌شناس، ۱۳۶۹: ۱۲۲). به بیان دیگر تکیه یک تلاش فیزیولوژیکی است که هجای یک کلمه را نسبت به هجاهای دیگر آن برجسته‌تر می‌کند و در هر زنجیره آوایی، آن هجا را که تکیه بر آن قرار می‌گیرد، «هجای تکیه‌بر» می‌گویند (ر.ک. النعمی و الریشاوی، ۲۰۱۸: ۶۷). تفاوت میان هجای تکیه‌بر و بدون تکیه می‌توان با استفاده از مختصه‌های فوق‌الذکر مشخص کرد. خانلری «ارتفاع» را عامل اصلی تکیه کلمه در زبان فارسی به حساب می‌آورد. به نظر وی «هجای تکیه‌بر» همیشه با افزایش میزان «زیر و بمی» همراه است و زیر و بمی نشانه «برجستگی» هجای تکیه‌بر یک کلمه نسبت به هجاهای دیگر همان کلمه است (ر.ک. خانلری، ۱۳۷۴: ۶۳-۶۵) در زبان فارسی تکیه در حد زیادی قابل پیش‌بینی است. اسلامی (۱۳۸۴) صادقی (۱۳۹۷) بی‌جن‌خان (۱۳۹۸) بر این باورند که گرایش تکیه در کلمات فارسی به سمت پایان آنهاست. از این رو، در توصیف تکیه و قواعد تکیه‌گذاری در سطح واژه تقریباً اختلاف نظر وجود ندارد. اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا جایگاه تکیه در واژه‌های فارسی همیشه ثابت است؟ یا عواملی وجود دارد باعث تغییر جایگاه تکیه در سطح آنها می‌شود؟ تقریباً همه محققان و زبان‌شناسان که به مسأله تکیه واژه و قواعد حاکم بر آن پرداخته‌اند بر این باورند که «قواعد تکیه‌ی کلمه را در فارسی مشروط به شرایط دستوری می‌دانند؛ بدین معنا که انواع دستوری کلمات، هر یک، در محل معینی تکیه می‌پذیرند و دارای طرح تکیه‌ی خاص خود هستند» (سامعی، ۱۳۷۴: ۱). یعنی قاعده تکیه‌گذاری قطعیت ندارد و موارد استثنایی برای آن وجود دارد.

⁹ _ edge tones

¹⁰ _ phrase accent/ tone

¹¹ _ boundary toen

از این رو، بسیاری از واژه‌های فارسی از این قاعده تبعیت نمی‌کنند و هر یک در جایگاه معینی تکیه می‌پذیرند. فرگوسن «سه حالت در زبان فارسی بیان می‌کند که در آن تکیه روی هجای آخر قرار نمی‌گیرد:

• حالت تصریفی: جایگاه تکیه به تعدادی از وندها وابسته است. مانند: (می‌روم) *!mi_ravam*.

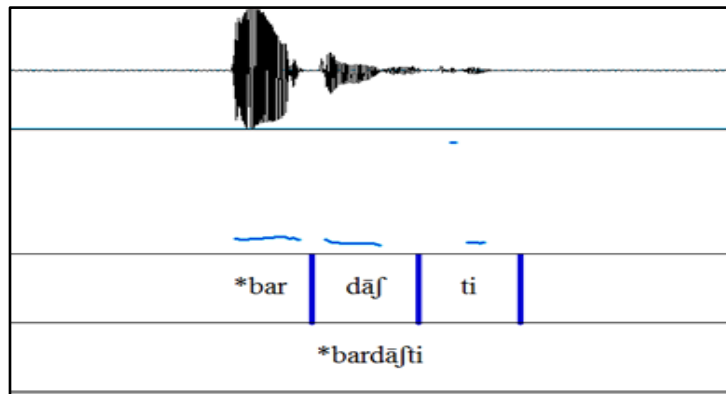
• حالت واژگانی: تکیه به صورت ذاتی وجود دارد. مانند: (اما، ولی) *!vali / !?ammā*.

• حالت تکواژی: حالت ندایی و جمله‌های نقل قولی. مانند: (محمد) *!mohammad*. (۱۹۵۷: ۱۲۵) به نقل از (بی‌جن‌خان و ابو

الحسنی زاده، ۱۳۹۱: ۲۹-۳۰). جایگاه تکیه در اسم «ساده، مرکب، مشتق، مرکب مشتق» و «صفت» و بیشتر «انواع قید» بر هجای آخر قرار می‌گیرد (ر.ک. وحیدیان، ۱۳۷۹: ۲۸-۳۵). اما تکیه در فعل برخلاف آنها، اغلب به آغاز کلمه میل دارد؛ یعنی قواعد حاکم بر آن متفاوت است (ر.ک. سامعی، ۱۳۷۴: ۷). همچنان هنگام افزودن وندها، تکیه دست خوش تغییر می‌شود. به طور کلی نکته‌ای که مورد اتفاق بعضی محققان این است که «اگر فقط ستاک (بن) کلمات را در نظر بگیریم، در اکثر موارد، چه فعل، چه غیرفعل، تکیه بر روی هجای آخر قرار می‌گیرد» (راسخ مهند، ۱۳۸۳: ۵۵). برای شناخت عوامل تغییر جایگاه تکیه در سطح کلمه در نمایشنامه «آینه‌های رو به برو» با استفاده از قاعده تکیه در سه بخش (۱) وند اشتقاقی^{۱۲}، (۲) وند تصریفی^{۱۳}، (۳) واژه‌بست^{۱۴} بررسی می‌شود. بررسی و تحلیل داده‌ها و وندها تکواژی‌هایی هستند که به ستاک واژه اضافه می‌شوند و از رهگذر آنها واژه‌های گوناگون به وجود می‌آیند. وندها از انواع واژک مقید هستند که بتهایی و به طور مستقل به کار نمی‌روند و فقط در صورت پیوستن با ستاک یا پایه ایفای نقش می‌کنند (ر.ک. صفر، ۲۰۲۰: ۲۲۹).

الف _ تکیه وندهای اشتقاقی و وندهای اشتقاقی نقش واژه‌سازی دارد؛ به این معنی که واژه جدید می‌سازند، یا مقوله دستوری واژه را تغییر می‌دهند (ر.ک. انور، ۲۰۲۱: ۵۵۰) کاربرد این وندها سماعی است یعنی با همه اعضای یک مقوله از کلمات به کار نمی‌روند (ر.ک. کلباسی، ۱۳۹۱: ۲۳). پیشوندهای اشتقاقی از نظر تأثیر آوایی‌شان بر پایه، دو کاربرد مختلف دارند. در ترکیبات فعلی تکیه بر هستند، اما در سایر موارد با اضافه شدن این وندها جایگاه تکیه تغییری نمی‌کند و تکیه همچنان روی هجای آخر باقی می‌ماند (ر.ک. غلامعلی‌زاده و پیرانی، ۱۳۹۰: ۷۱-۷۳). همانطور که در زیر نشان داده شده است:

_ اگر وند اشتقاقی به «بن ماضی» اضافه شود و واژه‌ای حاصل از اشتقاق (فعل) باشد، جایگاه تکیه تغییر می‌کند و به روی خود وند انتقال می‌یابد. برای نمونه برداشتی / *bardāfti* / در عبارت «شدی فرهاد کوهکن؟ تیشه برداشتی افتادی به جون زندگیت؟» (بیضایی، ۱۳۶۳: ۹۱).



شکل (۱) بازنمایی تکیه زیر و بمی واژه «برداشتی» واژه «برداشتی» از سه هجا تشکیل می‌یابد: *bar.dāf.ti*. همان‌طور که در شکل (۱) دیده می‌شود هجای اول / *bardāfti* *^{۱۵} / تکیه زیر و بمی دریافت کرده است چون وند اشتقاقی / *bar* / تکیه را به خود

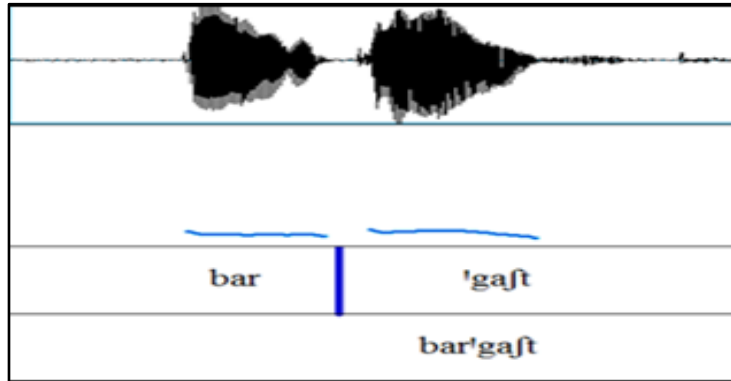
¹² _ inflectional affix

¹³ _ derivational affix

¹⁴ _ clitic

^{۱۵} _ نکته: برای نشان دادن محل تکیه علامت [1] را قبل از «هجای تکیه‌بر» می‌گذارد اما (*) نشانه محل تکیه زیر و بمی است. یکی از ویژگی‌هایی که «تکیه واژگانی» را از «تکیه زیر و بمی» متمایز می‌کند این است «تکیه واژگانی» ماهیت انتزاعی دارد و از آنجا که صورت تصریف شده فعل اشاره به

جذب می‌کند و در نتیجه برجستگی هجای اول واژه «برداشتی» نسبت به هجاهای دیگر بیشتر است. اگر وند اشتقاقی به «بن ماضی» اضافه شود و واژه‌ای حاصل از اشتقاق اسم (مصدر مرخم) باشد، جایگاه تکیه تغییری می‌کند و تکیه همچنان روی هجای آخر باقی می‌ماند. برای نمونه برگشت /bargaft/ در عبارت « اینطور که معلومه تو هم افتادی توی هجل و راه برگشت نداری» (بیضایی، ۱۳۶۳: ۴۹).

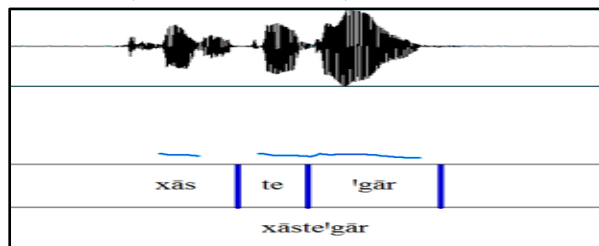


شکل (۲) بازنمایی تکیه واژگانی واژه «برگشت» واژه «برگشت» از دو هجا تشکیل می‌شود: **bar.gaft**. چنانکه در شکل (۲) می‌بینیم هجای دوم /bar'gaft/ تکیه‌بر است و این واقعیت نشان می‌دهد که وند اشتقاقی در ترکیب غیر فعلی فاقد تکیه است و هنگام افزودن آن هیچ تأثیری ندارد و از این رو، قله تکیه واژگانی روی هجای پایانی /'gaft/ قرار دارد و در نتیجه هجای آخر واژه «برگشت» برجستگی بیشتری دارد.

اگر وند اشتقاقی به «بن مضارع» اضافه شود و واژه‌ای حاصل از اشتقاق اسم (صفت فاعلی مرخم) باشد، جایگاه تکیه تغییری نمی‌کند و تکیه همچنان روی هجای آخر باقی می‌ماند. برای نمونه بازرسی /bāzresi/ در عبارت «دیگه بازرسی بدنی نمی‌شی، خیالت راحت» (بیضایی، ۱۳۶۳: ۳۵).



شکل (۳) بازنمایی تکیه واژگانی واژه «بازرسی» واژه «بازرسی» از سه هجا تشکیل می‌یابد: **bāz.re.si**. از شکل (۳) چنین بر می‌آید که هجای سوم /bāzre'si/ بستر تکیه واژگانی است و این نشان می‌دهد که وقتی وند اشتقاقی به بن مضارع افزوده می‌شود نمی‌تواند تکیه را جذب کند و به همین دلیل تکیه باز هم روی هجای پایانی /'si/ باقی می‌ماند و در نتیجه برجستگی هجای آخر واژه «بازرسی» نسبت به هجاهای دیگر بیشتر است. پسوندهای اشتقاقی به طور کلی تکیه‌بر هستند به جز وند «ا» /ā-/ در حالت «ندایی، تعجب، کثرت، تردید و تأکید بی‌تکیه است (ر.ک. وحیدیان، ۱۳۷۹: ۳۰). برای نمونه: خواستگار /xāstegār/ در عبارت «برات خواستگار آمده نزهت، یه خواستگار خیلی خوب و مناسب، جوابشو چی می‌دی؟» (بیضایی، ۱۳۶۳: ۴۱).



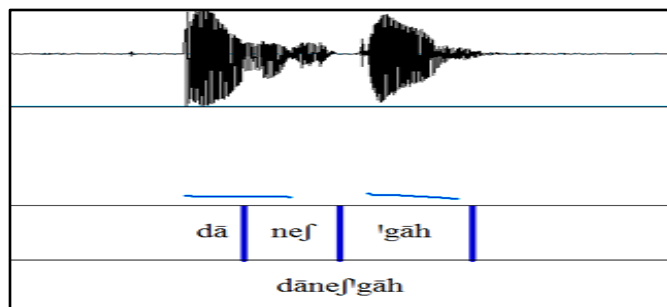
شکل (۴) بازنمایی تکیه واژگانی واژه «خواستگار»

زمان، وجه و شخص ... دارد از حالت انتزاعی خارج می‌شود. از این رو، تکیه آن از نوع «تکیه زیر و بمی» است.

واژه «خواستگار» از سه هجا تشکیل می‌شود: *xās.te.gār* . همان‌طور که از شکل (۴) برمی‌آید هجای سوم *xāste'gār/*

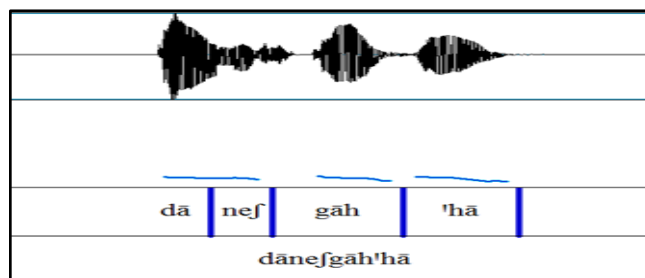
/ حاوی تکیه است و این نشان می‌دهد که در اثر افزودن وند اشتقاقی */-gār/* به آخر واژه */xāst/* تکیه واژه را به خود جذب می‌کند و از این رو قله تکیه واژگانی روی آن واقع می‌شود پسوندهای اشتقاقی وقتی بیش از یک به پایه اضافه می‌شود تکیه روی پسوند آخر قرار دارد (ر.ک وحیدیان، ۱۳۷۹: ۳۰). برای نمونه:

dānef'gāh/ **دانشگاه** در عبارت «ردشدنش در کنکور نشون می‌ده که در **دانشگاه** ما تبعیض و حق‌کشی وجود داره» (بیضایی، ۱۳۶۳: ۷۱).



شکل (۵) بازنمایی تکیه واژگانی واژه «دانشگاه» از سه هجا تشکیل می‌شود: *dā.nef.gāh*. همان‌طور که در شکل (۵) مشخص می‌شود هجای سوم */dānef'gāh/* تکیه‌بر است و به همین دلیل قله تکیه واژگانی روی هجای پایانی */gāh/* ظاهر می‌شود. می‌بینیم وقتی دو وند اشتقاقی */-ef/* و */-gāh/* به آخر واژه */dān/* افزوده می‌شود تکیه به سمت هجای پایانی آن میل دارد. این مسأله هنگام افزودن وند تصریفی از نوع تکیه‌بر به واژه مشتق نیز صادق است. یعنی تکیه روی وند تصریفی منتقل می‌شود بدین ترتیب:

dānef'gāh'hā ...dānef'gāh+hā

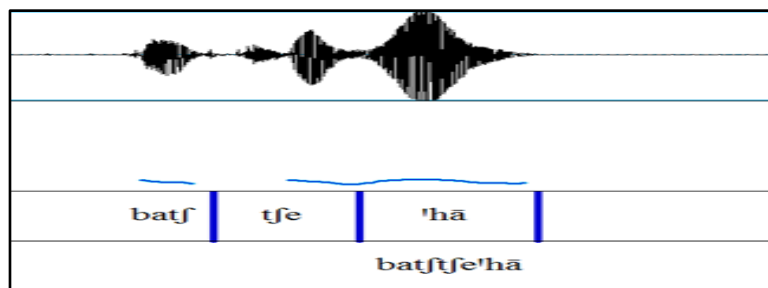


شکل (۶) بازنمایی تکیه واژگانی واژه «دانشگاه‌ها»

ب _ تکیه وندهای تصریفی وندهای تصریفی «کلمه‌ی جدید ساخته نمی‌شود بلکه صورت تازه‌ای از کلمه به دست می‌آید» (المالکی، ۲۰۱۵: ۱۳۹). این وندها «نقش نحوی دارند، یعنی کلمه را برای ایفای نقش معینی در ساختهای نحوی پردازش می‌دهند. کاربردشان قیاسی است؛ یعنی با همه اعضای یک مقوله از کلمات می‌توانند به کار روند و کمتر استثناء می‌پذیرند» (کلباسی، ۱۳۹۱: ۲۳). وندهای تصریفی عبارتند از:

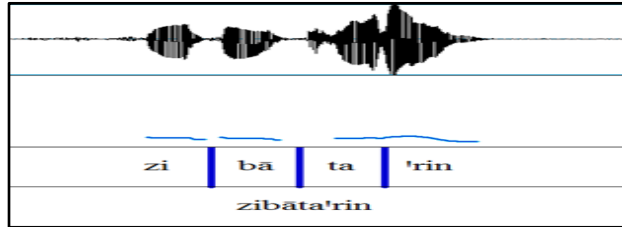
۱ _ «-ان» */-ān/*، «-ها» */-hā/* و «-ا» */-ā/* در زبان گفتاری (نشانه‌های جمع). با افزودن آنها جایگاه تکیه تغییر می‌کند و به روی خود وند انتقال می‌یابد (ر.ک غلامعلی‌زاده و پیرانی، ۱۳۹۰: ۶۹). برای نمونه:

bat'f'fehā/ **بچه‌ها** در عبارت «اسم یه مرد تک که برای **بچه‌های** محل خیلی بزرگ بود» (بیضایی، ۱۳۶۳: ۱۲).



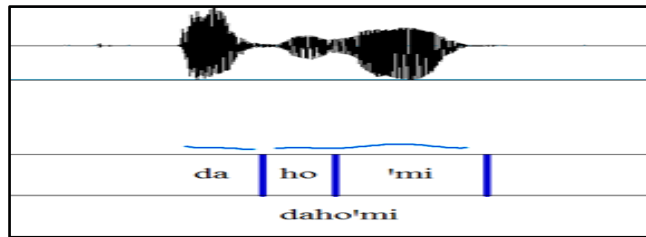
شكل (٧) بازنمایی تکیه واژگانی واژه «بچه‌ها» از سه هجا درست می‌شود: *batf.tje.hā*. چنانکه از شکل (٧) پیداست. هجای سوم / *batftje'hā* / تکیه‌بر است. البته تکیه اصلی واژه / *batftje* / روی هجای دوم قرار دارد و در هنگام افزودن / *hā* / به آن، تکیه را به خود جذب می‌کند و از این رو، قله تکیه واژگانی روی پسوند جمع ظاهر می‌شود.

۲- «تر» / *-tar* /، «ترین» / *-tarin* / (نشانه‌های تفضیلی و عالی). با افزودن آنها جایگاه تکیه تغییر می‌کند و به روی خود وند انتقال می‌یابد (ر.ک غلامعلی زاده و پیرانی، ۱۳۹۰: ۶۹). برای نمونه *zibātar'in* / در عبارت «این زیباترین عکس شما می‌شه نزهت جان» (بیضایی، ۱۳۶۳: ۱۷).



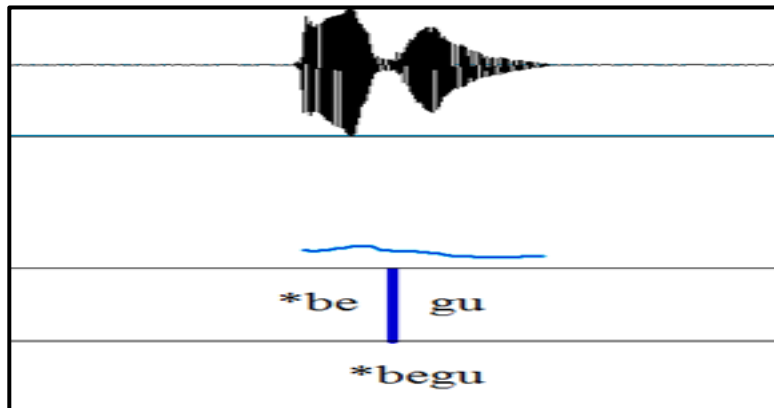
شكل (٨) بازنمایی تکیه واژگانی واژه «زیباترین» از چهار هجا تشکیل می‌شود: *zi.bā.ta.rin*. همان‌طور که در شکل (٨) مشاهده می‌شود هجای پایانی / *zibātar'in* / تکیه‌بر است چون پسوند / *-tarin* / تکیه واژه / *zibā* / را به خود جذب می‌کند و به همین دلیل قله تکیه واژگانی روی آن قرار می‌گیرد.

۳- «م» / *-om* /، «مین» / *-omin* / (نشانه عدد ترتیبی). با اضافه شدن آنها به عدد اصلی جایگاه تکیه تغییر می‌کند و به روی خود وند انتقال می‌یابد (ر.ک غلامعلی زاده و پیرانی، ۱۳۹۰: ۶۹). برای نمونه *dahomi* / در عبارت «این نامه دهمی، خوب شده» (بیضایی، ۱۳۶۳: ۶۳).



شكل (٩) بازنمایی تکیه واژگانی واژه «دهمی» از سه هجا تشکیل می‌یابد: *da.ho.mi*. البته باید توجه داشت در زبان محاوره واج / *n* / از آخر پسوند / *-omin* / حذف می‌شود. همانطوری که در شکل (٩) مشخص است هجای سوم / *daho'mi* / حاوی تکیه است. چون وند / *-omi* / تکیه عدد اصلی / *dah* / را به خود جذب می‌کند و در نتیجه قله تکیه واژگانی روی آن ظاهر می‌شود.

۴- «ب» / *-be* / (نشانه فعل مضارع التزامی و فعل امر). با اضافه شدن آن، تکیه را به خود جذب می‌کند و در نتیجه جایگاه تکیه را تغییر می‌دهد (ر.ک غلامعلی زاده و پیرانی، ۱۳۹۰: ۶۹). برای نمونه: *begu* / در عبارت «چه چیزهایی رو من نمی‌دونستم، بگو تا آخر» (بیضایی، ۱۳۶۳: ۶۷).

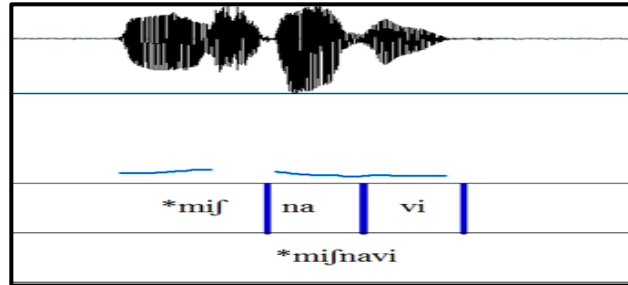


شكل (١٠) بازنمایی تکیه زیر وبمی واژه «بگو»

فعل امر «بگو» از دو هجا تشکیل می‌شود: **be.gu**. همانطور که از شکل (۱۰) پیداست هجای اول/***begu**/ بستر تکیه است چون پیشوند **/be -/** تکیه به خود اختصاص دارد و در نتیجه جایگاه تکیه تغییر می‌کند و به همین دلیل قلّه تکیه زیر و بمی روی هجای دربردارنده نشانه امر واقع می‌شود.

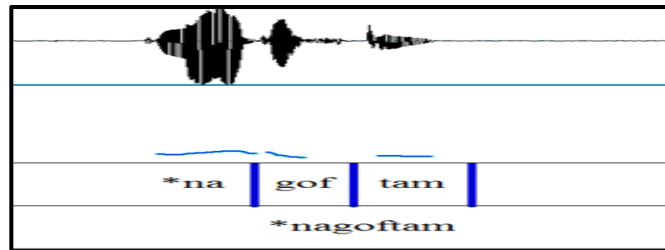
۵_ « می - » **/mi -/** (نشانه استمراری). با افزودن آن، تکیه را به خود جذب می‌کند و در نتیجه جایگاه تکیه را تغییر می‌دهد (ر.ک. غلامعلی زاده و پیرانی، ۱۳۹۰: ۶۹). برای نمونه:

می‌شنوی **/mifnavi/** در عبارت «دفعه‌ی چندمه این جمله رو می‌شنوی؟» (بیضایی، ۱۳۶۳: ۸۱).



شکل (۱۱) بازنمایی تکیه زیر و بمی واژه «می‌شنوی» فعل استمراری «می‌شنوی» از سه هجا تشکیل می‌شود: **mif.na.vi**. چنانکه در شکل (۱۱) مشاهده می‌شود؛ برجستگی تکیه زیر و بمی روی هجای اول **/mifnavi/** قرار دارد چون پیشوند **/mi -/** توانست جایگاه تکیه را تغییر دهد و به خود جذب کند و از این رو، منحنی فرکانس پایه به صورت یک قلّه روی آن ظاهر می‌شود.

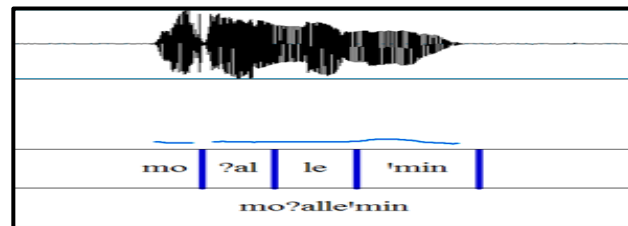
۶_ « نَ - / مَ - » **/ma, /na -/** (نشانه‌های نفی). با افزودن آن جایگاه تکیه تغییر می‌کند و به روی خود وند انتقال می‌یابد (ر.ک. غلامعلی زاده و پیرانی، ۱۳۹۰: ۶۹) **/nagoftam/** در عبارت «چی شد؟ چرا رفت؟ من که چیز بدی نگفتم» (بیضایی، ۱۳۶۳: ۸۶).



شکل (۱۲) بازنمایی تکیه زیر و بمی واژه «نگفتم» ساخت نحوی «نگفتم» از سه هجا تشکیل می‌شود: **na.gof.tam**. همانطور که در شکل (۱۲) مشخص است هجای اول **/nagoftam/** تکیه زیر و بمی دریافت کرده است و آن نشان می‌دهد افزوده شدن پیشوند **/na -/** جایگاه تکیه واژه را تغییر داده و در نتیجه تکیه را به خود جذب کرده است.

۷- با اضافه شدن وند تصریفی عربی به پایه، تکیه را به خود جذب می‌کند و در نتیجه جایگاه تکیه تغییر می‌یابد (ر.ک. غلامعلی زاده و پیرانی، ۱۳۹۰: ۷۱).

معلمین **/mo?allemin/** در عبارت «بهتون تبریک می‌گم آقای قناعت، ما معلمین به داشتن شاگردی مثل پسر شما افتخار می‌کنیم» (بیضایی، ۱۳۶۳: ۶۲)

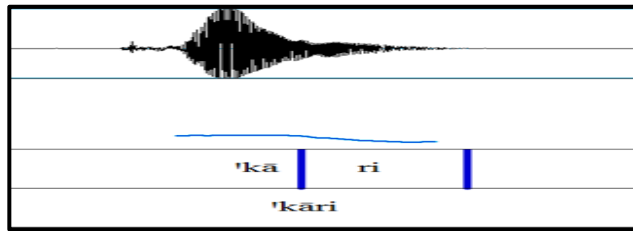


شکل (۱۳) بازنمایی تکیه واژگانی واژه «معلمین»

واژه «معلمین» از چهار هجا تشکیل می‌شود: *mo.ʔal.le.min*. چنانکه که در شکل (۱۳) می‌بینیم هجای چهارم *moʔallemin* / بستر تکیه است چون پسوند */- min* (نشانه جمع)، تکیه را به خود جذب کرده است و به همین دلیل در سطح بالاتر از فرکانس پایه هجاهای قبل از آن تولید شده است.

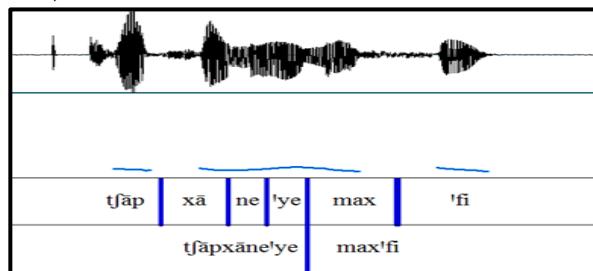
پ_ واژه‌بست واژه‌بست یک تکواژ وابسته دستوری فاقد تکیه است که در ساخت‌های بزرگتر از واژه شرکت می‌کند. واژه‌بست‌ها همچون وندها به یک میزان نیاز دارند تا به آن بچسبند. ولی بر خلاف وندها جزئی از ساختمان کلمه به حساب نمی‌آیند (ر.ک. شقایقی، ۱۳۹۱: ۷۳.۷۴). «گروهی که به کلمه‌ی قبل از خود می‌پیوندند پی‌بست و دسته‌ای که به کلمه‌ی قبل از خود می‌چسبند پیش‌بست نامیده می‌شوند واژه‌بست‌های فارسی همه پی‌بست‌اند» (محمد، ۲۰۲۰: ۴). وحیدیان، واژه‌بست را یک عنصر پسوندی می‌داند که پس از افزودن شدن به واژه، تکیه نمی‌گیرد و در جایگاه تکیه نیز تغییری به وجود نمی‌آورد (ر.ک. ۱۳۷۹: ۴۰). واژه‌بست‌های فارسی شامل موارد زیر است:

۱_ «- ی» */- i* / نشانه نکره یا «(ی) نکره نوعی از واژه‌بست که به اسم افزوده می‌شود و آن را به صورت نکره در می‌آورد» (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۵۸۹). برای نمونه: *کاری / kāri* / در عبارت «تو هیچ کاری نمی‌تونستی بکنی» (بیضایی، ۱۳۶۳: ۷۷).



شکل (۱۴) بازنمایی تکیه واژگانی واژه «کاری» از دو هجا تشکیل می‌شود: *kā.ri*. همان‌طور که در شکل (۱۴) می‌بینیم منحنی فرکانس پایه روی هجای اول *'kāri* / قرار می‌گیرد و این مشخص می‌شود که واژه‌بست */i* / نکره بر تکیه واژگانی هیچ تأثیری نداشته و در نتیجه، آن را جذب نکرده است.

۲_ نشانه اضافه «- e» */e/* واژه‌بستی است که در ساخت‌های اضافه (مضاف + مضاف الیه) یا وصفی (موصوف + صفت) به دنبال اسم می‌آید و آن را به اسم / گروه اسمی یا صفت / گروه صفتی بعد از خود مربوط می‌کند» (استاجی و جهانگیری، ۱۳۸۵: ۷۰). بر اساس نظر وحیدیان تکیه گروه اسمی چنین است: اگر وابسته پسین اسم مضاف الیه باشد، هم هسته گروه اسمی تکیه دارد و هم وابسته اما تکیه قوی‌تر روی مضاف الیه قرار می‌گیرد (ر.ک. ۱۳۷۹: ۵۷). اما اسلامی در این راستا مدعی است در تولید «تأکید کلی» تکیه گروه اسمی روی دورترین وابسته به هسته اسمی قرار دارد (ر.ک. ۱۳۸۴: ۶۳). برای نمونه: *چاپخانه‌ی مخفی* / *tjāpxāneye maxfi* / در عبارت «سروان حق‌نظر، چاپخانه‌ی مخفی شما کشف شده» (بیضایی، ۱۳۶۳: ۶۹).

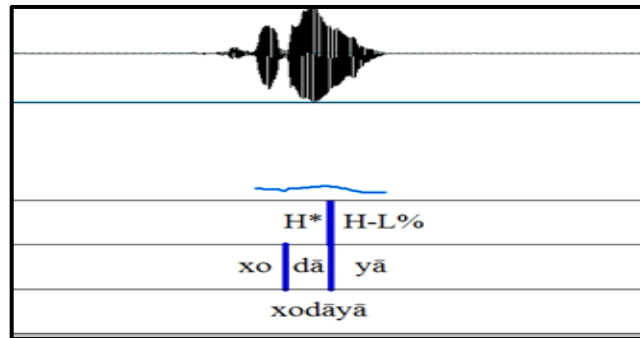


شکل (۱۵) بازنمایی تکیه زیر و بمی پاره‌گفتار «چاپخانه‌ی مخفی» ساخت وصفی «چاپخانه‌ی مخفی» به صورت بی‌نشان تولید شده است. از آنجایی که «نشانه اضافه» یک واژه‌بست فاقد تکیه محسوب می‌شود، افزودن آن به یک واژه، بر جایگاه تکیه واژه هیچ تأثیری ندارد، پس انتظار می‌رود و بر طبق قاعده تکیه‌گذاری، ساخت تکیه‌ی گروه صفتی، به صورت دو قله روی هجای پایانی هر دو واژه «موصوف / چاپخانه» */tjāpxāne/* و «صفت / مخفی» */maxfi/* یا به صورت یک قله روی وابسته پسین صفت «مخفی» */maxfi/* قرار دارد. اما از شکل «۱۵» چنین بر می‌آید که برجستگی به صورت دو قله روی دو هجای */fi/* و */ye/* ظاهر می‌شود. اضافه بر آن، می‌بینیم درگروه واژه‌بست (خانه + کسره اضافه) */tjāpxāneye/* هجای */ne/* با میزان فرکانس پایه کمتر از هجای شامل کسره اضافه یعنی */ye/* تولید شده است، این رویداد آکوستیکی بنابر نظر بی‌جن‌خان و ابو الحسنی زاده «به پدیده دیرکرد قله^{۱۶} هجا اشاره می‌کند که

¹⁶ peak delay

در آن، قله F0 بعد از هجای متعلق به آن قرار می‌گیرد» (۱۳۹۰: ۶۶). آنان با ارجاع به (بی‌شو، ۲۰۰۹) بیان می‌کنند که بی‌شو معتقد است «دیرکرد قله هجا عاملی تولیدی است که سرعت حنجره را برای تغییر مسیر حرکت نواخت محدود می‌کند» (همانجا). در نتیجه ملاحظه می‌کنیم که بر اثر فرایند «دیرکرد قله هجا» قله فرکانس پایه به جای اینکه در آخرین هجای واژه /tʃāpxāne/ باشد، روی هجای شامل عنصر واژه‌بست /ye/ ظاهر می‌شود و از الگوی آهنگ بالا نسبت به هجای ما قبل آن برخوردار است.

۳- پسوند ندا «-ا» /-ā/. بیشتر پژوهشگران که در مورد تکیه پرداخته‌اند، باور دارند که وقتی اسم منادا واقع شود، تکیه آن به هجای اول منتقل می‌گردد. همان‌گونه بیشتر اشاره شد به عقیده فرگوسن، یکی از مواردی که تکیه در هجای آخر قرار نمی‌گیرد، ساخت ندایی است که در آن، تکیه بر هجای اول واقع می‌شود (ر.ک بی‌جن‌خان و ابو الحسنی زاده، ۱۳۹۱: ۲۹-۳۰). وحیدیان در همین راستا معتقد است که در ساخت ندایی «در اکثر مواقع تکیه اسم به هجای اول آن منتقل می‌شود و با آهنگ ویژه‌ای نیز همراه است. فقط اسم تک‌هجایی، که در آن مسئله تغییر محل تکیه مطرح نیست، صرفاً با آهنگ ندایی می‌شود» (۱۳۷۹-۱۶۷). اما اسلامی و بهمنیان دیدگاه متفاوت دارند و معتقدند که «وجود تکیه زیر و بمی در هجای اول در اسم‌های منادا مورد تردید جدی قرار می‌گیرد» (۱۳۹۹: ۲۱) و برای ساخت ندایی، الگوی آهنگ « $H+X^*H-(L\%/H\%)$ » پیشنهاد کرده‌اند که در آن «تکیه زیر و بمی (* روی هجای آخر اسم منادا قرار می‌گیرد و X نشانه انواع تکیه زیر و بمی است که در تأکید کلی از نوع H* و در تأکید جزئی از نوع L+H* است. H بیانگر وقوع پیش‌قله^{۱۶} قبل از هجای تکیه‌بر واژگانی است و نواخت گروه H- نشانه جاری بودن کلام از سوی گوینده و انتظار پاسخ شنونده و ادامه گفتار است. معمولاً پس از اسم منادا، گفتار جریان دارد و پایان اسم منادا پایان واحد آهنگ نیست و به همین دلیل، نواخت مرزنامی بالا (H%) یا پایین (L%) داخل پرنانتر [قرار می‌گیرند]» (همانجا). برای نمونه: خدا/یا /xodāyā/ در عبارت «خدا/یا خودت شاهد باش، کسی حرف از اجاره نزد» (بیضایی، ۱۳۶۳: ۶۷).



شکل (۱۶) بازنمایی تکیه واژگانی واژه «خدا/یا» الگوی آهنگی ساخت ندایی «خدا/یا» $H^*H-L\%$ است. این واژه از سه هجا تشکیل می‌شود: $xo.dā.yā$. چنانکه از شکل (۱۶) پیداست که منحنی زیر و بمی با مقدار پایین آغاز می‌شود و به تدریج در هجای دوم /dā/ (آخر واژه خدا) افزایش می‌یابد و آن بیانگر این است که بر خلاف باورهای بیشتر محققان، هجای اول ساخت ندایی، فاقد تکیه است (علاوه بر آن در این واژه پدیده پیش‌قله روی هجایی اول رخ نداده است) و تکیه زیر و بمی H* روی هجای دوم /dā/ ظاهر می‌شود. اما هجای آخر /yā/ اُفت فرکانس پایه بر روی آن گسترده و در سطحی پایین‌تر تولید شده است و این مشخص می‌شود که واژه‌بست ندا /-ā/ بر تکیه زیر و بمی هیچ تأثیری نداشته و بنابراین، آن را جذب نکرده است و تکیه در جای خود باقی می‌ماند. نواخت گروه ساخت ندایی «خدا/یا» H- نشانه جاری بودن گفتار از سوی گوینده و نواخت مرزنامی آن افتان L% است.

۴- نشانه مفعول صریح «را» /rā/، این نشانه در زبان گفتاری پس از واژه‌های مختوم به همخوان، «و» /o/ و پس از واژه‌های مختوم به واکه، «رو» /ru/ تلفظ می‌شود (ر.ک سلمان، ۲۰۱۹: ۹). برای نمونه: خودمو /xudamo/ در عبارت «هر طور بود خودمو راضی کردم...» (بیضایی، ۱۳۶۳: ۴۴).

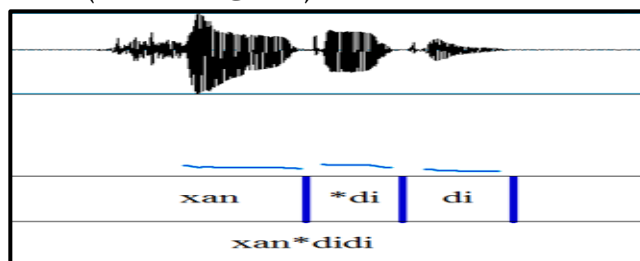
^{۱۶} پیش‌قله (early peak): «به وضعیتی اطلاق می‌شود که پیشینه زیر و بمی به وضوح پیش از نواخت

بالای هجای تکیه‌دار رخ می‌دهد.» (اسلامی و بهمنیان، ۱۳۹۹: ۲۷)



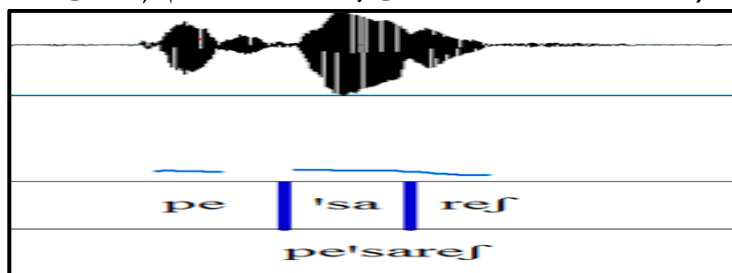
شكل (١٧) بازنمایی تکیه زیر و بمی پاره‌گفتار «خودمو راضی کردم» الگوی آهنگ پاره‌گفتار **xudamo rāzi kardam** به صورت **H* L-L%** است که در آن برجستگی تکیه زیر و بمی **H*** روی واژه **/xudamo/** قرار می‌گیرد، اما انتهای پاره‌گفتار منحنی نزولی دارد و با نواخت مرزی **L%** به پایان می‌رسد. چنانکه از شکل (١٧) بر می‌آید که بر خلاف آنکه انتظار می‌رود که هجای شامل واژه‌بستها **/mo/** (ضمیر شخصی **/am/** و نشانه مفعول **/o/**) با میزان فرکانس پایه پایین تولید می‌شود چون این عناصر فاقد تکیه هستند، بلکه می‌بینیم برجستگی فرکانس پایه بر روی هجای آنها نیز گسترده می‌شود و این به دلیل پدیدهٔ دیرکرد قلهٔ هجا است.

۵_ شناسه‌های فعلی «-م» **/am-**، «ی» **/i-**، «د» **/ad-**، «یم» **/im-**، «ید» **/id-**، «ند» **/and-** جزئی از فعل هستند که در هر صیغه به ستاک حال و گذشته می‌پیوندند و مفهوم شخص و شمار را می‌رسانند (ر.ک طباطبایی، ۱۳۹۵: ۳۰۹). برای نمونه: **xandidi** / در عبارت «دروغگو، تو به من **xandidi**» (بیضایی، ۱۳۶۳: ۴۴).

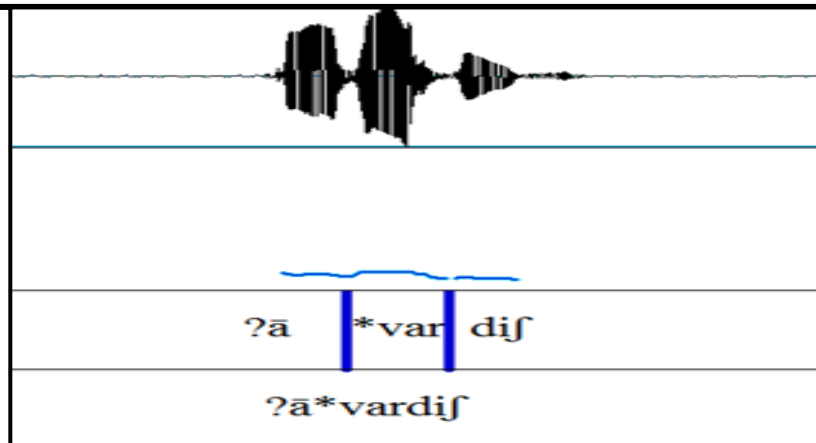


شكل (١٨) بازنمایی تکیه زیر و بمی واژهٔ «**xandidi**» فعل «**xandidi**» از سه هجا تشکیل می‌شود: **xan.di.di**. همان‌طور که در شکل (١٨) دیده می‌شود منحنی فرکانس پایه روی هجای دوم **/xan* didi/** قرار می‌گیرد و این مشخص است که شناسهٔ **/i/** فاقد تکیه است و از این رو، تکیهٔ زیر و بمی را به خود جذب نکرده است و در نتیجه تکیه در جای خود باقی می‌ماند.

۶_ ضمایر پیوسته (ملکی/مفعولی) «-م» **/am-**، «ت» **/at-**، «ش» **/aʃ-**، «مان» **/emān-**، «تان» **/etān-**، «شان» **/eʃān-**. صورت محاوره‌ای این ضمایر («-م» **/am-**، «ت» **/at-**، «ش» **/eʃ-**، «مون» **/emun-**، «تون» **/etun-**، «شون» **/eʃun-**) نیز بی تکیه است (ر.ک وحیدیان، ۱۳۷۹: ۴۰-۴۱). برای نمونه: ضمیر ملکی **پسرش / pesaref** / در عبارت «ما با عقاید سیاسی **پسرش** موافق نبودیم» (بیضایی، ۱۳۶۳: ۴۲).

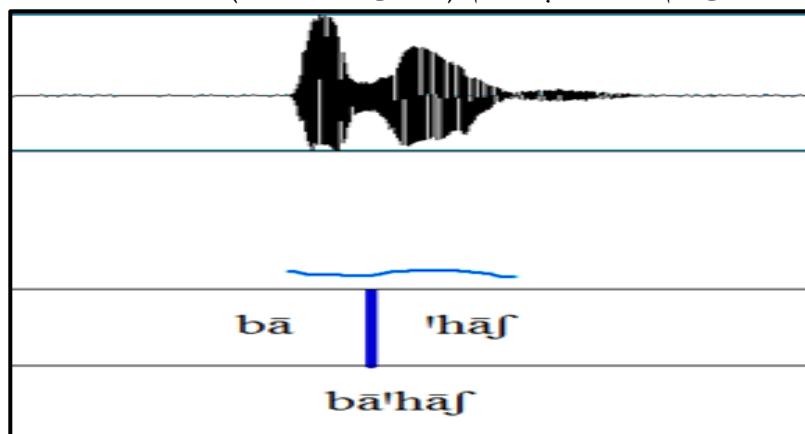


شكل (١٩) بازنمایی تکیه واژگانی واژهٔ «**پسرش**» واژهٔ «**پسرش**» از سه هجا تشکیل می‌یابد: **pe.sa.ref**. چنانکه در شکل (١٩) ملاحظه می‌شود برجستگی تکیهٔ واژگانی روی هجای دوم **/pe'sariʃ/** قرار دارد و این واقعیت نشان می‌دهد که پس از افزودن ضمیر ملکی **/eʃ-** جایگاه تکیهٔ واژهٔ مزبان تغییر نکرده است. ضمیر مفعولی **آوردیش / ?āvardiʃ/** در عبارت «از کجا **آوردیش**» (بیضایی، ۱۳۶۳: ۶۸).



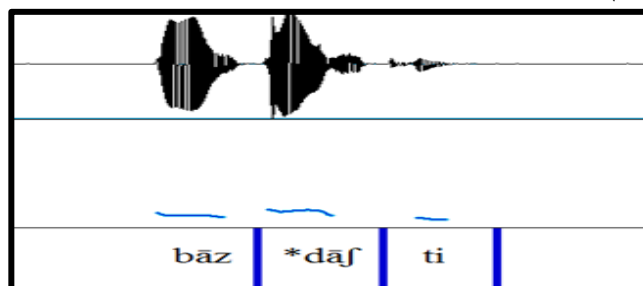
شکل (۲۰) بازنمایی تکیه زیر و بمی واژه «آوردیش» در زبان فارسی ممکن است چند پی‌بست پشت سر هم به واژه مزبان می‌چسبند. گروه فعلی «آوردیش» از بن ماضی /?āvard/ و شناسه (دوم شخص مفرد) /i/ + ضمیر مفعولی /j/ - با حذف شدن واژه آغازی آن - ساخته شده است. واژه «آوردیش» از سه هجا تشکیل می‌یابد: ?ā. var. dif. چنانکه در شکل (۲۰) مشخص می‌شود هجای پیش از پی‌بست‌ها یعنی هجای دوم /?ā*vardif/ دریافت کننده تکیه زیر و بمی است و آفت فرکانس پایه بر روی هر دو پی‌بست ظاهر می‌شود هرچند ضمائر پیوسته فاقد تکیه هستند اما ضمائر «مفعولی» موارد استثنایی برای آن وجود دارد و در نتیجه، عکس قاعده عمل می‌کنند. بدین سان، وقتی در آخر حرف اضافه تک‌هجایی، که بی‌تکیه است، ضمائر (پیوسته) مفعولی (در محاوره)، که آنها نیز فاقد تکیه هستند قرار بگیرد هجای اول ضمیر تکیه‌بر می‌شود (ر.ک. وحیدیان ۱۳۷۹: ۶۰). برای نمونه:

باهش /bāhāʃ/ در عبارت «من نمی‌تونم باهش روبرو بشم» (بیضایی، ۱۳۶۳: ۲۶).



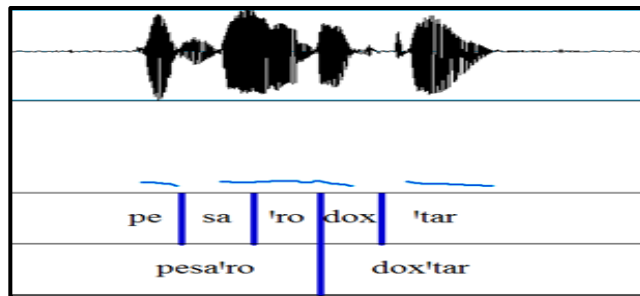
شکل (۲۱) بازنمایی تکیه واژگانی واژه «باهش» طبق آنچه در شکل (۲۱) آمده است، که منحنی واژه «باهش» مشخص می‌شود، برجستگی تکیه روی هجای دربردارنده ضمیر مفعولی /bā'hāʃ/ قرار می‌گیرد و از این رو، قله تکیه واژگانی روی آن واقع می‌شود. بنابر این می‌بینیم با اینکه ضمیر مفعولی تکیه ندارد اما وقتی افزودن آن به پایان حرف اضافه که آن نیز فاقد تکیه است، عکس قاعده بی‌تکیه بودن آن عمل می‌کند و در نتیجه تکیه‌بر می‌باشد.

۷_ صورتهای پسوندی فعل «بودن». برای نمونه: *بازداشتی* /bāzdāʃti/ در عبارت «پرنسل وظیفه خیری قناعت! جمع ارقام غلطه، تو *بازداشتی*» (بیضایی، ۱۳۶۳: ۶۸).



شكل (٢٢) بازنمایی تکیه زیر و بمی واژه « بازداشتی » گروه نحوی «بازداشتی» از مصدر مرخم /bāzdāft/ و صورت مخفف پسوند فعل بودن (هستی) /i/ ساخته شده است. واژه «بازداشتی» از سه هجا تشکیل می‌شود: bāz.dāf.ti. همان طوری که در شکل (٢٢) می‌بینیم برجستگی تکیه زیر و بمی روی هجای دوم /bāz*dāfti/ قرار می‌گیرد و این نشان می‌دهد که افزوده شدن واژه‌بست /i/ جایگاه تکیه تغییر نمی‌کند و تکیه همچنان روی هجای آخر واژه مزبان باقی می‌ماند.

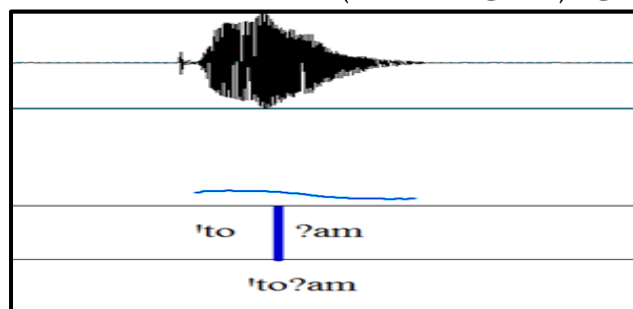
۸_ نشانه عطف که صورت نوشتاری آن « و - » است اما در گفتار رسمی و غیر رسمی بعد از همخوان‌ها معمولاً /o/ و بعد از واکه‌ها /yo/ و /vo/ تلفظ می‌شود (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۹۵: ۵۴۳). در ساخت‌های عطفی غیر ترکیب، یعنی گروه‌های نحوی غالباً با دو تکیه مستقل در هر دو واژه‌شان تلفظ می‌شوند. علت دو تکیه‌ای بودن آنها وجود درنگ کوتاه است که باعث مستقل شدن دو واژه از یکدیگر و داشتن تکیه جداگانه مانند سایر واژه‌های مستقل می‌گردد (ر.ک. جم، ۱۳۹۱: ۳۹). برای نمونه: پسر و دختر /pesar o doxtar/ در عبارت « ایشان مرد نیک‌نامی بود، معلوم نیست چطور این پسر و دختر به عکس درآمدن» (بیضایی، ۱۳۶۳: ۴۲).



شکل (٢٢) بازنمایی تکیه‌زیر و بمی پاره‌گفتار « پسر و دختر »

با توجه به شکل (٢٣) چنین مشخص می‌شود که گروه نحوی «پسر و دختر» با دو تکیه مستقل یعنی با یک درنگ کوتاه پس از /o/ تولید شده است. در گروه واژه‌بست «پسر + نشانه عطف» /pesar-o/ با اینکه /o/ یک عنصر فاقد تکیه است، هجای /ro/، میزان پسامد پایه بیشتر از هجای قبل از آن یعنی /sa/ دارد. از این رو، قلهٔ پسامد پایه روی هجای /ro/ ظاهر می‌گردد. در این حالت، الگوی آهنگ علاوه بر روی هجای /sa/، روی هجای پایانی که شامل واژه‌بست /ro/ نیز گسترده می‌شود و از برجستگی بیشتری برخوردار است. چنانکه قبلاً ذکر کردیم این رویداد آکوستیکی به پدیدهٔ دیرکرد قلهٔ هجا اشاره می‌کند. همان‌طور که در شکل بالا مشاهده می‌کنیم تکیهٔ دوم گروه نحوی روی هجای پایانی واژهٔ /dox'tar/ قرار می‌گیرد.

۹_ صورت مخفف «هم» /—am/ . برای نمونه توام /to?am/ در عبارت « توام اگر معرفت داشتی دهننتو سفت می‌بستی تا مردی که اونطور جلوشون وایساد با اسم من بدنوم نکنی» (بیضایی، ۱۳۶۳: ۱۳).



شکل (٢٤) بازنمایی تکیه‌واژگانی واژهٔ «توام» گروه نحوی «توام» از ضمیر گسسته دوم شخص مفرد /to/ و واج میانجی /?/ + صورت مخفف «هم» /—am/ ساخته شده است و آن از دو هجا تشکیل می‌شود: to.?am. همان طوری که از شکل (٢٤) بر می‌آید برجستگی تکیهٔ واژگانی بر روی هجای پیش از واژه‌بست یعنی هجای اول /to?am/ قرار دارد و اُفت فرکانس پایه روی هجای /?am/ گسترده شده است.

نتیجه‌گیری از بررسی الگوی تکیهٔ کلمات در نمایشنامهٔ «آینه‌های رو به رو» چنین برمی‌آید که اغلب کلمات دارای تکیه ثابت و همیشه در هجای آخر قرار دارد. اما در فرایند تصریف، تکیهٔ کلمات دست خوش تغییر می‌شوند و آن به دلیل این است که بیشتر وندها این قابلیت دارند که تکیه را به خود جذب کنند. وندهای تصریفی و اشتقاقی در اغلب موارد جایگاه تکیه را تغییر می‌دهند، اما واژه‌بست‌ها از آنجا که

فاقد تکیه هستند، هیچ تأثیری بر تکیه کلمات ندارند. به طور کلی می‌توان گفت که جای تکیه از لحاظ بخشهای افزوده شده به واژه‌ها، عوض میشود، یعنی تغییر جایگاه تکیه در سطح واژه‌ها به تغییر ساختار صرفی آنها تعلق دارد و از آنجایی که تکیه در زبان فارسی تحت تأثیر نظام صرفی آن قرار می‌گیرد، از این رو، محل تکیه در حد زیادی قابل تشخیص است. خلاصه آنچه تا اینجا گفتیم این است که وندهای اشتقاقی و تصریفی در بیشتر موارد راهنمایی جایگاه تکیه هستند و این امر علاوه بر آنچه به تسلط بر قواعد ترکیب و چگونگی ساختمان واژه‌ها نیاز دارد، نیز مستلزم شناسایی کدام یک از آنها قادر به تغییر جایگاه تکیه هستند که به زبان‌آموزان امکان می‌دهد تا جایگاه تکیه را به راحتی تعیین کنند. به‌طور کلی می‌توان وندها را به لحاظ تکیه‌بر و بی‌تکیه بودن آنها به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

- پیشوندهای اشتقاقی از نظر تکیه به دو صورت عمل می‌کنند: اگر واژه حاصل از اشتقاق فعل باشد پیشوند تکیه‌بر است اما اگر اسم باشد پیشوند هیچ تأثیری ندارد یعنی بی‌تکیه است.
- تمام پسوندهای اشتقاقی تکیه‌بر هستند.
- در صورتی که بیش از یک پسوند از نوع تکیه‌بر به واژه افزوده می‌شود تکیه روی پسوند آخر قرار می‌گیرد.
- وندهای تصریفی فارسی این قابلیت دارند که جایگاه تکیه پایه را تغییر کرده و تکیه به خود جذب‌کنند.
- وندهای تصریفی عربی به کار برده در زبان فارسی تکیه‌بر هستند.
- تمام واژه‌بست‌ها فاقد تکیه هستند؛ یعنی این امکان ندارند که تکیه مزبان را به خود جذب کنند، مگر در زبان محاوره، شناسه‌ها در ماضی نقلی و ضمائر مفعولی هنگام افزودن آنها به برخی حروف اضافه، تکیه‌بر باشند. نتیجه کلی حاصل از بررسی تکیه وندهای افزوده شده به کلمات در نمایشنامه «آینه‌های رو به رو» می‌توان به صورت خلاصه در جدول زیر ارائه شد:

وند از لحاظ تکیه	نوع وند
تکیه‌بر	وندهای تصریفی (ها،ان،ا) نشانه جمع، (تر،ترین) نشانه‌های تفضیلی،(ام،مین) نشانه عدد ترتیبی، (ب) نشانه فعل امر والتزامی، (می) نشانه استمراری و اخباری، (ند) نشانه نفی.
تکیه‌بر	وندهای تصریفی عربی
تکیه‌بر	پیشوندهای اشتقاقی (فعل‌ساز)
بی‌تکیه	پیشوندهای اشتقاقی (اسم‌ساز)
تکیه‌بر	پسوندهای اشتقاقی (اسم‌ساز)
بی‌تکیه	واژه‌بست‌ها؛(ی) نشانه نکره، « _ » نشانه اضافه، (ا) پسوند نداء، (را) نشانه مفعول، نشانه‌های فعلی، ضمائر پیوسته (ملکی،مفعولی)، صورت‌های پسوندی فعل (بودن)، (و) نشانه عطف، صورت مخفف (هم).

منابع و مأخذ

- ❖ استاجی، اعظم و نادر جهانگیری (۱۳۸۵). منشأ کسر اضافه در زبان فارسی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)، دوره دوم، شماره چهل و هفتم، صص (۶۹_۸۱).
- ❖ اسلامی، محرم (۱۳۸۴). واج‌شناسی: تحلیل نظام آهنگ زبان فارسی. چاپ اول، نشر سمت، تهران.
- ❖ — (۱۳۸۸). تکیه در زبان فارسی. پردازش علایم و داده‌ها، شماره اول، صص (۳_۱۲).
- ❖ اسلامی، محرم و نسیم بهمنیان (۱۳۹۹). آهنگ ساختهای ندایی در زبان فارسی. دو فصلنامه زبان و زبان‌شناسی، دوره (۱۲)، شماره (۳۱)، صص (۲۱_۴۴).
- ❖ المالکی، عقیل عبد الحسین محمد (۲۰۱۵). کره‌ی معنایی در شناخت افعال زبان فارسی، رساله دکتری، دانشکده زبان، دانشگاه بغداد، بغداد.
- ❖ النعیمی، ایثار شکری شاکر و عارف عبد صایل الریشاوی (۲۰۱۸). النبر و التنغیم فی الشعر العربی الحدیث محمود درویش نمودجا. نشریه دانشکده تربیت مدرس ویژه بانوان، دانشگاه بغداد، شماره ۲۹، صص (۶۴_۷۳).
- ❖ بی‌جن‌خان، محمود (۱۳۹۸). نظام آوایی زبان فارسی. چاپ سوم، نشر سازمان سمت، تهران.

- ❖ بی‌جن‌خان، محمود و وحیده ابو الحسنی زاده (۱۳۹۱). شواهد واجی برای گروه واژه‌بست در سلسله‌مراتب نوایی زبان فارسی امروز، دو فصلنامه زبان و زبان‌شناسی، دوره (۸)، شماره (۱۵)، صص (۲۷_۴۱).
- ❖ بیضایی، بهرام (۱۳۶۳). آینه‌های برو به برو، چاپ دوم، نشر دماوند، تهران.
- ❖ جم، بشیر (۱۳۹۱). چگونگی تشکیل ترکیب‌های عطفی و تمایز آنها از گروه‌های نحوی، مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال چهارم، شماره دوم، صص (۳۳_۵۰).
- ❖ حق شناس، محمد علی (۱۳۶۹). آواشناسی، چاپ دوم، انتشارات آگاه، تهران.
- ❖ خانلری، پرویز نائل (۱۳۷۴). تاریخ زبان فارسی، چاپ پنجم، نشر سیمرخ، تهران.
- ❖ راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۳). معرفی نظریه بهینگی و بررسی تکیه در فارسی. زبان‌شناسی، سال نوزدهم، پیاپی سی و هفتم، صص (۴۲_۶۶).
- ❖ زعفرانو کامبوزی، عالیه کرد و فرزانه تاج‌آبادی و فردوس آقاگل‌زاده (۱۳۹۴). جایگاه تکیه در تکواژهای وابسته زبان فارسی، نشریه پژوهش‌های زبانی، سال ششم، شماره ۱، صص (۶۱_۸۰).
- ❖ سامعی، حسین (۱۳۷۴). تکیه فعل در فارسی: یک بررسی مجدد. نامه فرهنگستان، سال اول، شماره چهارم، صص (۶_۱۲).
- ❖ سلمان، نهلله داوود. (۲۰۱۵). ساخت واژه در زبان فارسی (بررسی صرفی)، رساله دکتری، دانشکده زبان، دانشگاه بغداد، بغداد.
- ❖ — (۲۰۱۹). مقایسه میان دستور گفتاری و نوشتاری در زبان فارسی (بررسی زبان‌شناختی)، نشریه اداب، دانشکده اداب، دانشگاه بغداد، شماره ۱۳۱، صص (۱_۲۵).
- ❖ شقایقی، ویدا (۱۳۹۱). مبانی صرف، نشر سمت، تهران.
- ❖ صادقی، وحید (۱۳۹۷). ساخت نوایی زبان فارسی تکیه واژگانی و آهنگ. چاپ اول، نشر سمت، تهران.
- ❖ صفر، حسن علی (۲۰۲۰). بررسی ترکیب‌سازی در قصاید وقطعات سعدی، نشریه دانشکده زبان، دانشگاه بغداد، شماره ۴۱، صص (۲۲۴_۲۴۵).
- ❖ طباطبایی، علاء الدین (۱۳۹۵). فرهنگ توصیفی دستور زبان فارسی، چاپ اول، نشر فرهنگ معاصر. تهران.
- ❖ غلامعلی‌زاده، خسرو و یداله فیضی پیرانی (۱۳۹۰). بررسی لایه‌ها و سطوح واژگانی در وندهای زبان فارسی از نگاه صرف واژگانی، مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال سوم، شماره دوم، صص (۶۵_۸۴).
- ❖ فرشیدورد، خسرو (۱۳۹۲). دستور مفصل امروز، چاپ چهارم، نشر سخن، تهران.
- ❖ کلباسی، ایران (۱۳۹۱). ساخت اشتقاقی واژه، چاپ پنجم، نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- ❖ محمد، عقیل عبد الحسین (۲۰۱۸). نقش سیمایی و معنایی واج در زبان فارسی تحلیل قصیده‌ی از مولانا به عنوان نومویی، نشریه اداب، دانشکده اداب، دانشگاه بغداد، شماره ۱۲۷، صص (۵۴۳_۵۶۴).
- ❖ محمد، نجلاء اسماعیل (۲۰۲۰). بررسی صرفی و معنایی اصطلاحات معاصر میان فارسی و عربی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده زبان، دانشگاه بغداد، بغداد.
- ❖ نجفی، ابو الحسن (۱۳۸۴). مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، چاپ نهم، انتشارات نیلوفر، تهران.
- ❖ وحیدیان، تقی (۱۳۷۹). نوای گفتار (تکیه، آهنگ، مکث). چاپ اول، نشر دانشگاه فردوسی، مشهد.

_Anwar, D. H. B. (2021). A Contrastive Study of Affixation in English and Kurdish. ALUSTATH JOURNAL FOR HUMAN AND SOCIAL. SCIENCES, 60(4), 547-56.